ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
شنبه • ۲۴ آذر ۱۳۹۷
۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ • ۱۵ دسامبر ۲۰۱۸
شماره ۱۹۹۸۶
۱۲۰۹

زندگی سلام

چرا باید قدر تنوع گونه‌های زبان فارسی را بدانیم؟

لهجه هویت ملی

الهه توانا | روزنامه‌نگار

پرونده

یادم می‌آید در دوران دبیرستانم، جَو عجیبی علیه با لهجه حرف زدن راه افتاده‌بود. همه‌مان البته به‌فارسی معیار حرف می‌زدیم اما اگر کسی بی‌اختیار واژه کمتر شنیده‌شده‌ای به کار می‌برد، دانش‌آموزان به او ایراد می‌گرفتند که «چی؟ اینی که گفتی مشهدی بود؟». بعد هم تا مدت‌ها با آن واژه نامانوس، مسخره می‌شد تا از گناه نابخشودنی لهجه داشتن، پاک شود. در همه آن سال‌ها که ما حواس‌مان بود توی دورهمی‌های دوستانه و به خصوص جمع‌های رسمی، لهجه‌مان را پنهان کنیم، عده‌ای چیزهای مبهمی می‌گفتند درباره این که لهجه‌ها میراث ما هستند و باید حفظشان کنیم. هنوز هم جوان‌ترها در خیلی از شهرها و روستاها یاد می‌گیرند که لهجه‌شان را فراموش کنند و هنوز هم یک‌عده می‌خواهند با کلی گویی‌های تکراری در ستایش تنوع گونه‌های زبانی، از لهجه‌ها حفاظت کنند. در پرونده امروز می‌خواهیم بفهمیم، لهجه‌های محلی چه اهمیتی دارند و منظور از حفظ آن‌ها چیست. یک مترجم و یک زبان‌شناس در این‌باره توضیح می‌دهند.

گپی با «عرفان مجیب»، مترجمی که کانالِ «لهجه یاب» را راه انداخته است

جایی برای شنیدن صداهای خاموش

«مجیب» در مالزی و کانادا، زبان و ادبیات انگلیسی خوانده، داستان‌نویس خوبی است و ویراستاری می‌داند؛ حالا هم چند هفته‌ای است که با راه‌اندازی کانال تلگرامی‌اش یادمان آورده چه گنجینه ارزشمندی در اختیار داریم. او متن کوتاهی درباره زیبایی تفاوت‌های زبانی نوشته و از مردم خواسته است متن را با لهجه خودشان بخوانند و صدای‌شان را برای کانالش بفرستند. ایده‌اش در همین فرصت کوتاه، مرزها را در نوردیده و به تازگی مجله معتبر «Asymptote» در جمع‌بندی هفتگی از اتفاقات ادبی جهان، به آن پرداخته‌است.

لهجه‌یاب از کجا سر و کله‌اش پیدا شد؟

راستش را بخواهید از خراسان. به تازگی با جمعی تاریخ بیهقی می‌خوانیم و برای بهتر فهمیدنش، درس گفتارهای آقای «مهدی سیدی»، مصحح این کتاب را گوش می‌دهیم. در جلسه مقدماتی، ایشان با ته‌لهجه خراسانی از عبارت «خیلی زیبایه» استفاده کردند که به‌نظرم شیرین آمد. در فارسی معیار، چسباندن فعل «است» به واژه‌های قبلی‌اش کمی سخت و ثقیل است. برای همین فکر کردم چقدر خوب می‌شد اگر از این شیوه خراسانی‌ها در فارسی روزمره‌مان استفاده کنیم. همیشه آرزو داشتم پای این قبیل شیوه‌ها و واژه‌ها را از سراسر مملکت به فارسی معیار باز کنیم. از طرف دیگر، به‌عنوان یک مترجم گاهی با کلمات خارجی مواجه می‌شوم که در برخی لهجه‌ها برایشان معادل‌های خوبی داریم ولی در فارسی معیار نه؛ مثلا اصفهانی‌ها در برابر واژه انگلیسی «already» [همین الان] خیلی راحت می‌گویند «جَخ». یا مثلا آقای دریابندری در ترجمه «پیرمرد و دریا»ی همینگوی، از بسیاری واژگان جنوبی مربوط به کشتی‌سازی و ماهی‌گیری استفاده کرده‌اند که به‌نظرم یکی از دلایل غنی‌شدن ترجمه‌شان است. هدف اصلی من هم همین کمک‌رساندن به فارسی معیار بود. البته برای کارم دلایل شخصی هم داشتم. در خانواده‌ما، پدرم با لهجه یزدی صحبت می‌کرد و مادرم با لهجه تهرانی. من به تبعیت از مادر در خانه فارسی معیار صحبت می‌کردم و وقتی همکلاسی‌هایم تلفن می‌کردند، از خجالت می‌رفتم توی کمد و با آن‌ها به سیاق مدرسه یزدی حرف می‌زدم. مدرسه و شهر، پذیرای فارسی معیار نبود و فضای خانه در برابر لهجه یزدی مقاومت می‌کرد. البته شاید در نظرِ من کودک این‌طور می‌آمد و واقعا ملامتی در کار نبود اما به هر حال این دوگانگی زبان رسمی و لهجه محلی را از همان کودکی حس می‌کردم. بعدها به‌عنوان بزرگ‌سال فکر کردم لازم است بین فارسی معیار و لهجه‌ها آشتی برقرار شود.

مخاطب‌های لهجه‌یاب چه سن‌وسالی دارند؟

عمدتا جوان هستند. این را هم براساس صداهایی که به دستم می‌رسد می‌گویم و هم به خاطر بافت جمعیتی کاربران فعال تلگرام. پدر و مادرهای‌مان هم البته دست به تلگرام‌شان خوب است ولی بیشتر خواننده منفعل هستند. گاهی دوستانی تماس می‌گیرند و می‌گویند پدربزرگ یا مادربزرگ من می‌خواهد برای کانال‌تان لهجه بفرستد، متنی که شما نوشتید برایش سخت است. بعضی‌ها هم مثلا می‌گویند من اهل سبزوارم ولی نمی‌توانم سبزواری حرف بزنم، اجازه هست مادرم برایتان صوت بفرستد. برای من جالب است با این که جوان‌ترها کمتر با لهجه صحبت می‌کنند ولی به این پروژه علاقه نشان می‌دهند.

در بی‌رغبتی جوان‌ترها به لهجه داشتن، تلویزیون بی‌تقصیر نیست. نظر شما در این‌باره چیست؟

رفتار تلویزیون در این زمینه، بازتابی از رفتار جامعه است منتها برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در رادیو و تلویزیون باید قدری نسبت به رفتارهای‌شان آگاه‌تر باشند. آن‌ها در این سال‌ها نه‌تنها دید جامعه را نسبت به لهجه‌ها اصلاح نکرده‌اند که حتی لهجه‌ها و گویش‌ها را بیش از پیش به حاشیه رانده‌اند. هربار کسی در تلویزیون با لهجه حرف زده، یا آدم توسری‌خوری بوده است یا دیگران به او واکنش ترحم‌آمیز و احساسی نشان داده‌اند که «آخی. چه بامزه حرف می‌زنی.» در حالی که لهجه آدم‌ها اصلا امر آخی‌برداری نیست، طبیعی‌ترین شکل حرف‌زدن است؛ این برخورد اشتباه به‌نظرم از نپرداختن به لهجه‌ها بدتر است.

در توضیح کانال نوشته‌اید که لهجه‌یاب می‌تواند به مطالعات زبان‌شناسی کمک کند، برنامه‌ای برایش دارید؟

بله، فکر کردم این کار می‌تواند به پژوهشگران مطالعات زبان‌شناسی تطبیقی کمک کند البته در این لحظه که با شما صحبت می‌کنم هیچ ایده روشنی برایش ندارم. چند نفر به فاصله چند ساعت از شروع پروژه تماس گرفتند و گفتند که می‌توانند از داده‌های این پروژه در «ماشین لرنینگ» استفاده کنند. یعنی می‌توانیم به رایانه آموزش بدهیم که لهجه‌ها را تشخیص دهد. ممکن است کار پرهزینه و زمان‌بری باشد و در نهایت به بهره‌وری مالی نرسد ولی صرف وجود چنین افقی جذاب است. من فکر کردم حتی ماشین می‌تواند یاد بگیرد با لهجه حرف بزند یا لهجه‌ها را به هم ترجمه کند.

در فضای مجازی راجع به کانال شما نظرات مثبت زیاد دیده‌ام. دلیل این استقبال چیست؟

لهجه‌یاب، مصداق کارهای سهل و ممتنع است. ایده ساده‌ای که به ذهن هر کسی می‌رسد؛ همه آن را دوست دارند و می‌فهمند. این علاقه دو جنبه دارد؛ یکی این که آدم‌ها تشنه شنیدن هستند و دوست دارند بدانند در جای‌جای مملکت‌شان مردم چطور حرف می‌زنند و تفاوت‌ها و شباهت‌های‌شان چیست. دلیل مهم‌تر این است که بعضی آدم‌ها در این مملکت صدایی ندارند. صداهای خاموشی هستند در شهرها و روستاهای کوچک که هیچ‌وقت شنیده نشده‌اند و حالا می‌توانند خودشان را به گوش چندهزار نفر برسانند.

[...]

زبان، اساسی‌ترین میراث معنوی و فرهنگی ماست که بدون آن، فرهنگی وجود نخواهد داشت. زبان‌ها، به‌سانِ آینه‌ای از فرهنگ و پیشینه تمدن هر کشور، هویت ملی را تشکیل می‌دهند. خاموش شدن هر کدام از گونه‌های زبانی، تهدیدی برای تنوع فرهنگی است.

گفت‌وگو با دکتر «مجید طامه»، پژوهشگر زبان‌های ایرانی درباره اهمیت گونه‌های زبانی

خاموشی هر گونه زبانی، مرگ یک فرهنگ

مجید طامه، دانش‌آموخته دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی، روند روبه‌زوال گونه‌های زبانی را نگران‌کننده می‌داند اما معتقد است به‌طریقی می‌شود آن را کُند کرد.

چرا لهجه‌ها در زمره میراث‌های تمدنی قرار می‌گیرند؟

میراث فرهنگی، شامل دو بخش مادی و معنوی است؛ ابنیه تاریخی به‌عنوان میراث ملموس و زبان، میراث غیرملموس به‌شمار می‌روند. زبان، اساسی‌ترین میراث معنوی و فرهنگی ماست که بدون آن، فرهنگی وجود نخواهد داشت. زبان‌ها، به‌سانِ آینه‌ای از فرهنگ و پیشینه تمدن هر کشور، هویت ملی را تشکیل می‌دهند. خاموش شدن هر کدام از گونه‌های زبانی، تهدیدی برای تنوع فرهنگی است و با مرگ هر زبان، خرده‌فرهنگ‌های وابسته به آن از بین می‌رود؛ مثلا با خاموش شدن یک زبان، ترانه‌ها، لالایی‌ها و واژه‌های مختص آن گونه زبانی هم نابود می‌شود.

مگر نه این که گونه‌های زبانی طی روندی طبیعی، متولد می‌شوند و از دنیا می‌روند؟ پس چرا باید نگران این قضیه باشیم؟

زبان به بخش‌های مختلف تقسیم می‌شود. بخش واژگانی، یکی از آن‌هاست که بیشترین تغییرات هم در آن اتفاق می‌افتد. مثلا واژه‌ای را در گذشته به کار می‌بردیم که امروز یا دیگر از آن استفاده نمی‌کنیم یا در معنی متفاوتی به کار می‌بریم؛ مثل «شوخ» که به معنی چرک بوده است و امروز معنی دیگری دارد. تغییر معنایی واژه‌ها اما با نابودی یک گونه زبانی فرق می‌کند؛ از بین رفتن زبان، پدیده خطرناکی است.

این پدیده چطور رخ می‌دهد؟

زبانِ در خطر یا در حال انقراض، زبانی است که در محیط خانه با آن صحبت نمی‌شود و متاسفانه خیلی از گونه‌های زبانی ایران امروز دچار این سرنوشت شده‌اند. خوشبختانه به برخی گونه‌ها مثل کردی و لری توجه زیادی نشان داده می‌شود اما در مناطق مرکزی، فارسی رسمی دارد کاملا جایگزین گویش‌ها می‌شود. یکی از دلایل آن، رسانه‌های جمعی است. گویشور گونه‌های محلی، تحت تاثیر رسانه در زبان رسمی، وجاهتی می‌بیند که در گونه زبانی خودش نمی‌بیند بنابراین به فرزندش یاد می‌دهد به زبان معیار صحبت کند.

مدتی قبل بحثی بود در این‌باره که پررنگ شدن لهجه‌ها ممکن است به زبان رسمی آسیب برساند. این تناسب را چطور باید رعایت کرد؟

در برخورد با زبان، دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اقتصادی معتقد است بین تمدن و تنوع زبانی، رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی برای پیشرفت باید گونه‌های زبانی کنار بروند و فقط یک گونه مشترک بین تمام اقوام باقی بماند. دیدگاه دوم باور دارد که باید یک گونه زبانی به‌عنوان زبان میانجی وجود داشته باشد و در عین حال گونه‌های دیگر حفظ و از آن برای پیشبرد زبان رسمی استفاده شود. فارسی، امروز زبان میانجی است؛ یعنی به هیچ قومی تعلق ندارد و بین همه اقوام رایج است. به همین دلیل بلوچ، کرد و گیلک می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند. از طرفی، تنوع زبانی باعث قوت و غنای زبان رسمی می‌شود. مثلا در برابر زبان‌های بیگانه، وقتی در زبان رسمی معادل مناسبی پیدا نمی‌شود، می‌توانیم از زبان‌های محلی استفاده کنیم. برای مثال در گویش‌های خراسان، واژه «اَبَرَش» را داریم که به معنی لکه‌های روی پوست چهارپایان است. می‌توانیم از این واژه در برابر «airbrush»، نوعی پیستوله که رنگ را به صورت لکه‌لکه می‌پاشد، استفاده کنیم حتی می‌توانیم از این واژه مصدر «ابرشیدن» را بسازیم و به جای واژه دوجزئی رنگ‌رنگ کردن، آن را به کار ببریم.

زیاد شنیده‌ایم که باید از لهجه‌ها حفاظت کنیم؛ این وظیفه چه کسی است و چطور محقق می‌شود؟

این موضوع یک وظیفه ملی است. ما باید در خانواده با لهجه حرف زدن را جا بیندازیم. شعر و موسیقی، از مهم‌ترین چیزهایی هستند که زبان را زنده نگه می‌دارند. در کتاب‌های درسی، سرفصلی به اسم ادبیات محلی داریم ولی آموزگارها نادیده‌اش می‌گیرند؛ آن‌ها می‌توانند از دانش‌آموزان بخواهند به گونه زبانی خودشان مطلبی بنویسند. همچنین باید بار منفی مقایسه بین زبان و گویش را کم‌رنگ کنیم؛ یعنی مردم فکر نکنند اگر فلان گونه زبانی را گویش می‌گوییم و گونه دیگری را زبان، قصد توهین داریم. تمام گونه‌های زبانی ارزشمند و همگی از یک ریشه هستند و هیچ برتری به یکدیگر ندارند؛ اگر این دید را تقویت کنیم، می‌توانیم به کندشدن روند روبه‌زوالِ گونه‌های زبانی امیدوار باشیم.

جدول سخت [شماره ۴۹۳]

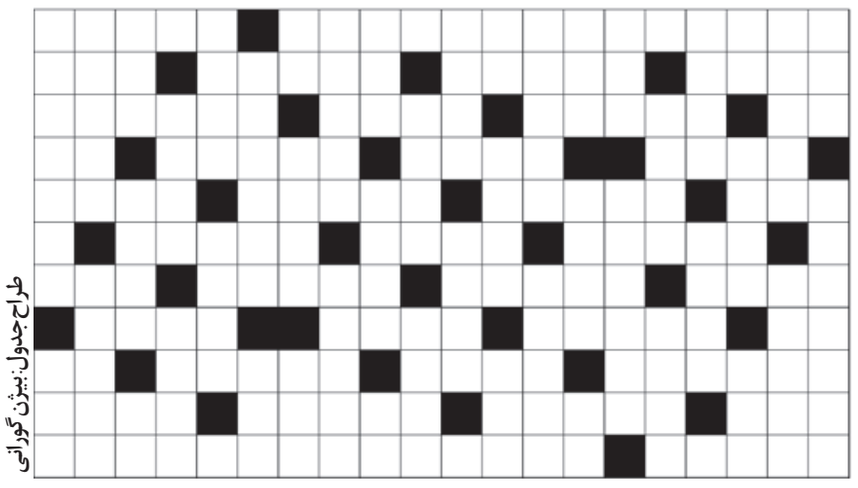

طراح جدول: نیوش گورانی

افقی: ۱- نام اصلی سپیده کاشانی، بانوی فقید شاعر معاصر انقلاب- کدورت و رنجش ۲- نام پدر حضرت ابراهیم(ع)- واحدی برای اندازه گیری طول- دشنام- طعام ۳- مرحله خواب عمیق- صراف- درختکاری شده- جیره و مقرری ۴- پیمان نظامی مرکزی- رهبر انقلابی چین- مقدمه چینی- گرداگرد دهان ۵- زنگ گردن چهارپا- سهل‌انگاری- اپراتور- نوعی نان حجیم ۶- بی‌همتا- پسر گودرز در شاهنامه- از نمونه‌های ابتدایی بازی‌های رایانه‌ای ۷- ترشرو- درختچه‌ای هندی- ارزن- پاکیزه ۸- علامت اختصاری نسخه‌بدل- بزرگ‌منشی- پارچه- گوشه‌ای در دستگاه شور ۹- موسیقیدان عصر خسروپرویز- مرام- اصل مهم زناشویی- گاهی دل هم می‌زند ۱۰- طایفه چادرنشین- زاهد گوشه‌نشین و تارک دنیا- نوعی الیاف مصنوعی- شور ۱۱- وسایل حمل‌ونقل- مهم‌ترین موزه آثار تاریخی کشورمان

عمودی: ۱- پوشش- از صفات خداوند ۲- سخت سر امروزی- آفریده شدگان ۳- طرف- بادملایم- ملت ۴ ۴- اجازه- نوعی ماده رنگی برای نقاشی ۵- ایالتی در آمریکا- خشکی‌های وسیع کره زمین ۶- عیب و ننگ- کانی بسیار سخت برای صیقل دادن فلزات ۷- در آشپزخانه بیابید- دست‌آموز- عنوانی برای سران قبایل ۸- بیرونی‌ترین پرده پوشاننده جنین- اعتقاد به وجود خداوند ۹- پیشوند سلب- تورکاه کشی- از آلات موسیقی ۱۰- بیماری کم‌خونی- امپراتور روم شرقی ۱۱- گوزن مینیاتوری گیلان- جا و محل ۱۲- گنجشک- آخرین حرف الفبای یونانی- راه شاعرانه ۱۳- هواپیمای دربستی- لاف پهلوانی زدن ۱۴- بله انگلیسی- داستانی نوشته تورگنیف روسی- کامل ۱۵- سرمای شدید- بی‌درنگ ۱۶- اسکلت فلزی اصلی ماشین- علامت زیر حرف ۱۷- چاره‌اندیشی- اشاره‌وار ۱۸- خلاف میل- فیلم‌ساز مطرح سینمای ژاپن و خالق داستان توکیو- درختچه‌ای گرمسیری ۱۹- دردورنج- نوعی ماهی دریای خزر ۲۰- لزوم- انتقام

حل جدول شماره ۴۹۲

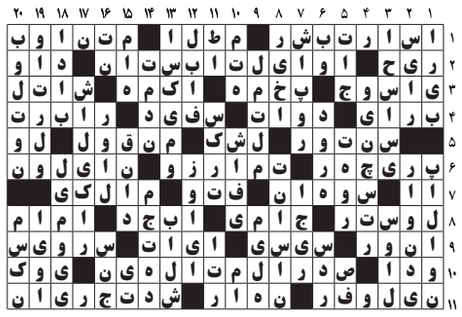

جدول متوسط [شماره ۷۲۸۲]

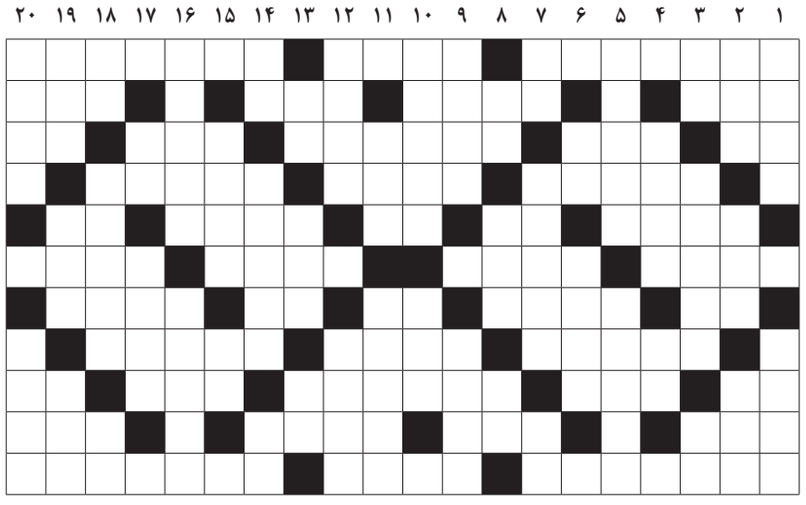

طراح جدول: مریم احمدی

افقی

۱- شهری در استان اصفهان- کم بها- جاشوها ۲- خلق و خو- خمیده- پس- خویش ۳- جوی خون- جوان- مفتش- کوه سیمرغ- بوی رطوبت ۴- جریان شدید هوا- رئیس- بازسازی ۵- لقبی اشرافی در اروپا- برگ برنده- نیز- مکان اینترنتی- مساوی عامیانه ۶- دفعه- ایستاده- خوار- امپراتور روم ۷- الفبای موسیقی- زشت- محصول صابون- دو یار همقد- کمر ۸- ماه هفتم سریانی- ساده‌لوح- رنجور ۹- تکیه برپشتی- خالص- خردمند- وعده شب- حرف نداری ۱۰- طایفه- قاچ- جداکننده- کشتی جنگی ۱۱- دست‌پاچه- چراگاه- عاجز- لشکر- گوهر ۹- غلاف شمشیر- از نام‌های مردانه به معنی شکننده ۱۰- کثیف- معدن ۱۱- نصف- کشاورزی ۱۲- ماشین راه‌سازی- بدرود ۱۳- راه میان بر- سرزمین بلقیس- قدم یکپا ۱۴- آب عرب- غرامت- دشمن سخت ۱۵- همنشین- شوربا ۱۶- دشواری- آهسته ۱۷- نرخ بازاری- تایلند سابق ۱۸- بهانه جویی- ترازو- تکرار حرف ۱۹- خشک کن آزمایشگاه- بخشی از پا- هوای متحرک ۲۰- سمبل- طریقه

عمودی

۱- از انواع جمله- محل تحصیل ۲- فام- پسوند حفاظت- آقا ۳- خودآرایی- جعبه مقوایی- درون ۴- ماده شیمیایی سفیدرنگ که در تهیه باروت به کار می‌رود- پول ژاپن ۵- همزمانی- بی رونقی ۶- حرف همراهی- تشنه فریب ۷- رطوبت- تر و تازه- میوه خوب ۸- دربست کارخانه
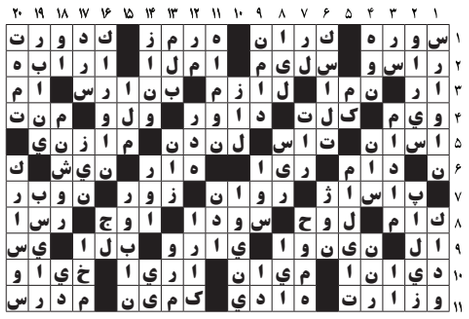
حل جدول شماره ۷۲۸۱